



An Analysis and Futures Study of Ikhwan Al-Muslemin Movements on the Political Relationships Among Iran, Turkey and Saudi Arabia

Mohammad Javad Faramarzi Fard –, Mir Ebrahim Seddigh –

Abstract

Ikhwan al-Muslemin movement is a popular Islamic one that emerged as a result of strategic confrontations in opposition to the colonization of European countries over Islamic nations. The victory of the Islamic Revolution of Iran brought about a great political change in the strategy of the Ikhwan al-Muslemin movement, with regard to fighting the internal tyranny and Western-affiliated governments. Futures study in the Ikhwan al-Muslemin movement involves particular significance in relation to Saudi-Turkish relationships compared to other movements for two reasons. The first reason regards the fact that Ikhwan al-Muslemin movement is one of the most important and most powerful Islamic political movements in the contemporary era. The second reason involves the fact that it has played a key role in all recent uprisings in the region. This study is intended to explain the strategy of the formation and activities of the Ikhwan al-Muslemin movement through a descriptive-analytical method. It is also intended to state the history of Saudi-Turkish relationship in order to find an answer to what the movement's strategies are and how they affect the political relationship between Turkey and Saudi Arabia (emphasizing on the role of the Ikhwan al-Muslemin). The findings indicated that Turkey is a moderate supporter of the Islam proposed by Ikhwan al-Muslemin, while Saudi Arabia promotes extremist Islam or Wahhabism. As a result, the ideological deadlock of Islamic movements will further diverge the political relationship between Turkey and Saudi Arabia.

Keywords: *Ikhwan al-Muslemin's strategy, political relationship, constructivism, Saudi Arabia, Turkey.*

– PhD candidate at the Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University of Karaj, Iran

— Assistant professor at the Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University of Karaj, Iran

شاپا چاپی: ۲۶۷۴ - ۲۷۱۷
شاپا الکترونیکی: ۳۶۶۶ - ۲۷۱۷

نشریه علمی
آینده پژوهی انقلاب اسلامی
(زمستان ۱۳۹۹، سال ۱، شماره ۳: ۸۵ - ۵۹)



تحلیل و آینده پژوهی جنبش‌های اخوان المسلمین بر روابط سیاسی ایران، ترکیه و عربستان سعودی

محمدجواد فرامرزی فرد^۱، میر ابراهیم صدیق^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

چکیده

جنبش اخوان المسلمین از جمله جنبش‌های اسلامی مردمی است که بر اثر اختلافات راهبردی و در تقابل با استعمار دولت‌های اروپایی بر جوامع اسلامی، شکل گرفتند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحول سیاسی عظیمی در راهبرد جنبش اخوان المسلمین، از نقطه نظر مبارزه با استبداد داخلی و حکومت‌های وابسته به غرب ایجاد نمود. آینده پژوهی در جنبش اخوان المسلمین در روابط عربستان و ترکیه نسبت به سایر جنبش‌ها، بنابر دو دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دلیل اول اینکه، جنبش اخوان، جزو مهم‌ترین و نیرومندترین جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی سیاسی در دوره معاصر است و دوم اینکه دارای نقش کلیدی بین کلیه قیام‌های اخیر در منطقه است. پژوهش حاضر، بر آن است تا با به کارگیری روش توصیفی - تحلیلی، هم راهبرد شکل‌گیری و فعالیت‌های جنبش اخوان المسلمین را تبیین نماید و هم به بیان تاریخچه‌ای از روابط عربستان و ترکیه بپردازد تا بتواند پاسخی بر این سؤال بیابد که راهبرد جنبش‌های اسلامی چیست و این جنبش‌ها چه تأثیری بر روابط سیاسی ترکیه و عربستان سعودی (باتأکید بر نقش اخوان المسلمین) دارند؟ یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که ترکیه مدافع اسلامی معتدل همچون اخوان المسلمین بوده و حال آنکه عربستان ترویج‌دهنده اسلام افراطی یا همان وهابیت است. در نتیجه، بست‌انگاران جنبش‌های اسلامی، روابط سیاسی بین ترکیه و عربستان سعودی را هرچه بیشتر به واگرایی می‌کشاند.

کلیدواژه‌ها: راهبرد اخوان المسلمین؛ روابط سیاسی؛ سازه‌انگاری؛ عربستان؛ ترکیه

^۱ - دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران
mj.faramarzi93@gmail.com

^۲ - نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران
912308@kiauo.ac.ir

مقدمه

جنبش اخوان المسلمین - بزرگ‌ترین جنبش اسلام‌گرا در جهان عرب - در سال ۱۹۲۸، در شهر اسماعیلیه توسط حسن‌البنّا در مصر تأسیس شد. حسن‌البنّا به‌عنوان اندیشمندی مطرح، گام‌های بزرگی را در راستای بیداری مسلمانان و اعتلای اسلام برداشت و تأثیر بسیار عمیقی بر اندیشه‌های اسلامی در سده ۲۰ میلادی گذاشت. شکل‌گیری جنبش اخوان‌المسلمین توسط البنّا، نتیجه طبیعی اوضاع سیاسی و اجتماعی و تاریخ معاصر مصر بود (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۸).

اخوان‌المسلمین به‌عنوان یک جنبش اسلامی، برای رسیدن به اهداف خود مشتمل بر ازبیدن بردن سلطه اجانب بر مسلمانان، برقراری حکومت اسلامی و بازگشت به اسلام اصیل و به‌کارگیری آموزه‌های آن در جامعه، به مبارزه با حکام مصر پرداخت و به‌همین دلیل طی حیات خود همواره در چالش با رژیم‌های موجود در مصر بوده است (توانا، ۱۳۹۳: ۳). این جنبش با وجود سرکوب‌های دولتی و علاوه بر آن تضادهای داخلی میان اعضای خود جنبش، توانسته بود بقای خود را حفظ کند (مجله الکترونیکی شعوبا، ۱۳۹۸). در این پژوهش، به‌دلیل اهمیت عربستان، ترکیه و ایران در منطقه خاورمیانه، نقش اخوان‌المسلمین بر روابط سیاسی این کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد، بنابراین، بیان پیشینه‌ای از روابط سیاسی، ضروری است.

عربستان همواره سعی دارد نقش رهبری را در سطح منطقه، جهان عرب و حتی جهان اسلام ایفا کند و همچنین تأثیرگذاری خود را در عرصه سیاست خارجی افزایش دهد، لذا تحولات و دگرگونی‌های عمده‌ای چون قدرت‌یابی شیعیان در عراق و حمایت ایران از آنها، از منظر منافع و اهداف منطقه‌ای این کشور اهمیتی بسیار دارد، به‌گونه‌ای که این تحولات را در راستای برهم‌خوردن توازن قدرت منطقه‌ای خود تعبیر می‌کند و برای مقابله با این تغییرات، مهم‌ترین راهکار در عرصه داخلی را، محدود کردن بیش‌ازپیش فعالیت شیعیان در عرصه‌های مختلف سیاسی - اقتصاد عربستان می‌داند. بدین‌علت که از اتحاد احتمالی آنها با ایران برای مقابله با خود جلوگیری کند (کرمی، ۱۳۹۶). بنابراین، بررسی سیاست‌های عربستان در روابط با ایران و ترکیه از منظر جنبش اخوان، هدف این پژوهش قرار گرفته است.

با وجود اینکه جمهوری ترکیه توانست با رشد مستمر ارزش افزوده اقتصادی خود، به هفدهمین مقام اقتصاد بزرگ دست یابد، اما به دلیل عدم دستیابی به توسعه اجتماعی و انسانی، سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران این کشور درصدد آینده‌پژوهی و یافتن راهکارهایی برای افزایش سطح توسعه برآمدند. لذا علی‌رغم اینکه سیاست ریاض در جهت برقراری اتحاد با آنکاراست، اما ترکیه، سیاست خارجی خود را تغییر داده و در بسیاری از موارد از ریاض جدا شده است. در سال‌های اخیر، ترکیه با برگزاری نشست سازمان اجلاس اسلامی در کشورش و به‌خصوص در شهری که نماد امپراتوری عثمانی است، هم نشان داده که آنکارا درصدد بازیابی جایگاهش میان کشورهای اسلامی است و هم تغییر رویه‌اش با ریاض را اثبات می‌نماید. همچنین، روابط نزدیک حزب عدالت و توسعه ترکیه با اخوان‌المسلمین سوریه به‌عنوان مهم‌ترین گروه مخالف کشور عربستان نیز اثبات دیگری بر تغییر سیاست خارجی ترکیه است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۰).

سعودی‌ها منطقه را همواره با نگاه فرقه‌ای دیده‌اند و به این مبحث به‌عنوان بازی برد - باخت مقابل شیعیان می‌نگرند. حتی عربستان سعودی، سوریه را نیز با نگاه فرقه‌ای نگریسته و به‌منظور تضعیف محور مقاومت تحت رهبری ایران، از اقدامات تروریستی داعش، جبهه‌النصره و سایر جریان‌های سلفی و اخوان‌المسلمین علیه دولت بشاراسد حمایت مالی و تسلیحاتی کرده است. این درحالی است که ریاض نام اخوان‌المسلمین را در ردیف گروه‌های تروریستی خود قرار داده است. روابط عربستان سعودی و جنبش اخوان‌المسلمین همواره روابطی پرچالش و با فرازونشیب‌های فراوان بوده است که بخش زیادی از تنش موجود کنونی میان ریاض و دوحه به حمایت‌های مالی و گفت‌وگویی از این جریان برمی‌گردد. این روابط که دوره‌های همکاری، رقابت، واگرایی و تقابل را به خود دیده است، نقش مهمی در تاریخ اسلام‌گرایی سیاسی سنی نیز داشته است. همچنین حضور اخوان در پادشاهی سعودی منجر به ظهور جریانی در داخل عربستان به نام «سروریه» شده که امروزه به‌عنوان یک جریان مرفقی سنی شناخته می‌شود و موجبات نگرانی مقامات آل‌سعود را فراهم آورده است. دولت عربستان سعودی به دلیل نگرانی‌های داخلی از قدرت‌یابی جریان سروریه که پایگاه‌های نیرومندی میان جوانان و همچنین نسل جدید اسلام‌گرایان سنی دارد، به سمت

محدودسازی و حذف این جریان حرکت کرده است. به خصوص که جریان صحوه‌الاسلامی وابسته به جریان سروریه، معتقد به برخورد صحیح و مبتنی بر گفتگو با تمدن مدرن، تشکیلات و سازمان‌دهی و پرداختن هم‌زمان به مسائل سیاسی و اجتماعی است. از سوی دیگر در سطح منطقه‌ای نیز جریان اخوان المسلمین همواره یک جریان گفتمانی رقیب برای ایدئولوژی عربستان سعودی هم در جهان اسلام و هم در جهان عرب بوده است. به خصوص که این جریان رقیب در متحدان نزدیک عربستان همچون ترکیه، مصر و قطر، نمود یافته است.

حزب عدالت و توسعه ترکیه سیاست خارجی خود را در منطقه غرب آسیا به میزان بالایی با وضعیت گروه اخوان المسلمین تنظیم می‌کند. ترکیه ایدئولوژی اخوان المسلمین را بر منافع ملی ترجیح می‌دهد. گروه اخوان المسلمین پس از سقوط محمدمرسی در مصر اعلام کرد که دولت جدید را به رسمیت نمی‌شناسد. این گروه در برابر نظامیان مقاومت کرد. ترکیه هم از این مقاومت و سیاست اخوان المسلمین به طور آشکار حمایت کرد (پایگاه خبری مفتاح، ۱۳۹۹).

بنابراین از زمینه‌های تعارض ترکیه و عربستان، حمایت آنکارا از اخوان می‌باشد. حمایت اردوغان از انقلابیون مصر، علاوه بر اینکه می‌توانست ساختارهای سنتی سیاسی همچون عربستان را به چالش بکشد، بلکه نقش عربستان در تحولات منطقه را به حاشیه می‌راند. در واقع، رویکرد میانه‌رو اخوان المسلمین که مورد حمایت ترکیه است، در تقابل با رویکرد سلفی عربستان قرار دارد؛ چراکه اشاعه تفکرات اخوانی می‌تواند عربستان را به حاشیه براند.

هدف این پژوهش، آینده‌پژوهی و تحلیل جنبش‌های اخوان المسلمین بر روابط سیاسی ایران، ترکیه و عربستان سعودی است. سؤالی که در این پژوهش در صدد پاسخ به آن هستیم، عبارت است از اینکه «جنبش اخوان المسلمین، چه تأثیری در روابط، سیاست‌های خارجی و تحولات کشورهای منطقه خاورمیانه به خصوص کشورهای عربستان، ترکیه داشته است؟ برای بررسی و آینده‌پژوهی این مطلب، ابتدا مبانی نظری و روش تحقیق مدنظر گرفته شده در این پژوهش، بیان می‌شود، سپس چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنبش اخوان المسلمین به عنوان جنبش اسلامی تأثیرگذار بر تحولات منطقه، مطرح می‌شود. در ادامه، جنبش‌های اسلامی و ترکیه و عربستان مورد

آینده‌پژوهی قرار می‌گیرد. سیر روابط عربستان و اخوان‌المسلمین با ایران و همچنین سیر روابط ترکیه و اخوان‌المسلمین به‌عنوان کشورهای تأثیرگذار در روابط منطقه، بیان شده و درنهایت، تأثیر راهبرد اخوان‌المسلمین بر روابط ترکیه و عربستان نسبت به همدیگر نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری و روش تحقیق

نظریه‌ای که در این پژوهش برای بررسی موضوع، به کار گرفته شده است، سازه‌انگاری^۱ یا برسازنده‌گرایی است. سازه‌انگاری بدین مفهوم است که همه جریان‌های عینی موجود در عرصه تعاملات بین‌المللی، هنجارها و قواعد را معیارهایی برای منافع خردمندانه و عقلایی دولت‌ها تلقی می‌کنند و براساس همان هنجارها و قواعد، منافع دولت و ملت‌ها صورت عینی به خود می‌گیرند. به‌همین ترتیب هنجارها و قواعد نیز اساس بازی بین‌المللی به‌شمار می‌روند و تعیین اینکه چه بازیگرانی با چه اصولی، نتایج موردنظر عملی و عینی را در عرصه تعاملات بین‌المللی به‌دست می‌آورند (امینی، ۱۳۸۳: ۱۶۰).

سازه‌انگاران معتقدند که روابط بین‌الملل، مثل روابط سیاسی دیگر، به‌طور اجتماعی ساخته شده است. طبیعت تمایلات میان کشورها فقط محصول عوامل مادی عینی، مثل موازنه تجاری یا موازنه قدرت نظامی یا ساختار سازمان‌های داخلی نیست. روابط متقابل دولتی از درجه درخور توجه عوامل ذهنی، شامل عقاید و ایده‌ها تشکیل شده است و باعث تفسیر ویژه حوادث و داده‌ها می‌شود. مهم‌ترین این عقاید و ایده‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: هویت‌ها شامل خودآگاهی بازیگران سیاسی و تصورات مشترک آنها از دیگران، فرهنگ‌های راهبردی که مجموعه‌ای از عقاید درباره ویژگی اساسی سیاست‌های بین‌الملل و بهترین روش‌ها موفق‌شدن در آن، به‌ویژه درباره کاربرد زور و چشم‌اندازهای همکاری است و هنجارها که نه‌تنها درباره اینکه چه چیزی مؤثر است، بلکه درباره اینکه چه چیزی حق است یا در حوزه بین‌الملل مناسب است (امام‌جمعه‌زاده و میرکوشش، ۱۳۹۲: ۷۹).

سازه‌انگاری بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌کند که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در نظریه سازه‌انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این فرایند است که مبحث تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. سازه‌انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد. (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵)

یکی از بهترین الگوها برای تحلیل روابط ایران، ترکیه و عربستان، رویکرد سازه‌انگاری است که به رابطه میان هویت و سیاست خارجی نظر دارد. به عبارتی هویت‌ها تعیین‌کننده منافع سیاست خارجی دولت‌ها هستند. ترکیه یک هویت چندبعدی برای خود قائل است، یک بعد اروپایی، یک بعد ترکی و یک بعد اسلامی که بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نسبت به گذشته برجسته‌تر شده است. در بعدی دیگر، ترکیه از اسلام معتدل از نوع اخوان المسلمین دفاع می‌کند و به عبارتی این جریان را نمایندگی می‌کند. این مبحث کاملاً در تضاد با هویت مذهبی و عربی عربستان قرار دارد. سعودی‌ها با تبلیغ وهابیت و رهبری جهان عرب، اساساً خود را از نظر جهان‌بینی نسبت به اجتماع، سیاست و مذهب در تضاد با ترک‌ها می‌دانند. بنابراین، مبانی نظری در این پژوهش نظریه سازه‌انگاری است.

روش به کار گرفته شده برای تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی تحلیلی است. روش توصیفی تحلیلی، روشی از تحقیق است که آنچه را که هست، توصیف و تفسیر می‌کند و به شرایط یا روابط موجود، عقاید متداول، فرایندهای جاری، آثار مشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارد. تمرکز آن در درجه اول به زمان حال است، هر چند غالباً رویدادها و آثار گذشته را نیز که به شرایط موجود مربوط می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌دهد و دارای انواع گوناگونی بدین قرار می‌باشد: تحقیق برآوردی که به توصیف موقعیت یک پدیده در یک زمان پرداخته، هیچ‌گونه فرضیه‌ای پیشنهاد ننموده و برای اقدامات بعدی توصیه‌ای نمی‌کند، بلکه صرفاً موقعیت موجود را

توصیف می‌کند. تحقیق ارزشیابی به ارزش‌گذاری درباره فواید اجتماعی، مطلوب بودن یا مؤثر بودن یک فرایند می‌پردازد، به طوری که درخصوص اقدامات سازنده توصیه‌هایی می‌نماید و در پی یافتن قوانین کلی و قابل‌گسترش به سایر موقعیت‌ها نیست. تحقیق موردی، به‌عنوان نوع دیگری از تحقیق توصیفی - تحلیلی، مطالعه عمیق و گسترده یک مورد در مدت زمان است. تحقیق پیمایشی متغیرهای محدودی را درمورد تعداد زیادی از افراد مورد مطالعه قرار می‌دهد. مؤسسه کالوپ از این روش برای بررسی عقاید مردم در سیاست و تجارت استفاده می‌کنند. پژوهشگران در اقتصاد، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، بهداشت و تعلیم و تربیت از این روش استفاده می‌کنند. تحقیق پیمایشی، برعکس تحقیق تاریخی با پدیده‌هایی که در زمان حال اتفاق می‌افتند، سروکار دارند. تحقیق توسعه‌ای شامل داشتن اطلاعات دقیق در زمینه‌های توسعه برنامه‌ها و رشد و تکامل افراد است. این نوع مطالعه به بررسی میزان تغییرات و الگوهای برنامه‌ها و یا رشد افراد در طول مدت زمان می‌پردازد و ممکن است به دو روش طولی^۱ و عرضی^۲ صورت گیرد. تحقیقات پس از وقوع از انواع روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به بررسی روابط علت و معلولی به وسیله بررسی پیامدهای موجود می‌پردازد. اگر سؤال تحقیق هنگامی مطرح شود که مقدار متغیر مستقل قبلاً و به‌طور طبیعی مشخص باشد، چنین تحقیقی را بعد از وقوع می‌نامند. محقق کار خود را با مشاهده و بررسی متغیر یا متغیرهای وابسته شروع می‌کند تا بتواند به متغیر یا متغیرهای مستقل برسد. در واقع، از معلول شروع می‌کند تا بتواند علت را جستجو کند. در این پژوهش از نوع تحقیق موردی از روش تحلیل - توصیفی استفاده و آینده‌پژوهی شده است. آینده‌پژوهی به روش توصیفی انجام شده در این پژوهش، رویکردی تلفیقی نسبت به جهان است، با این هدف که از خلال یک پژوهش پیشروگرا، به دیدگاهی اجمالی رسیده و بدون اینکه از واقعیات دور شویم، در مورد تحولات نظریه‌پردازی کنیم.

۱. تداومی

۲. مقطعی

چرایی شکل‌گیری و راهبرد جنبش اخوان المسلمین

جنبش اخوان المسلمین در مصر، حاصل یکی از بغرنج‌ترین مراحل تاریخ نوین این کشور بود. این بغرنجی، از جهت‌گیری‌هایی به ارتداد و پوچ‌گرایی پس از جنگ جهانی اول که جهان اسلام را در کام خود کشید و همچنین از حمله‌های معطوف به سنت‌گرایی و محافظه‌کاری و به‌همین نحو از روندهای غیراسلامی و دنیاگرایان که تمامی اقلیم دانشگاهی و روشنفکری مصر را در بر گرفته بود، منتج شده بود (البنّا، ۱۳۶۶: ۶۵ - ۶۶).

از نظر هرایر دکمجان، تأسیس این سازمان نمایانگر تلاقی جریان‌های نیرومند اجتماعی و شخصیت توانای بنا بود. مصر در سال‌های میان دو جنگ جهانی، کانون فشارهای متضاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و انگارگانی به حساب می‌آمد. این عوامل، محیط مساعدی برای ظهور اخوان فراهم آورد. مشخصه این محیط بحرانی که سابقه آن قبل از بنا به نیمه دوم قرن نوزدهم بازمی‌گشت، نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اروپا در دوران سلطه بریتانیا و خاندان غیربومی محمدعلی بود. در این محیط بحرانی دو جنگ جهانی، عکس‌العمل مصری‌ها نسبت به نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اروپا به دو شکل و جریان عمده نمایان شد:

یکی پیکار علیه خدیو و اربابان اروپایی‌اش بود که مبارزات مصطفی کامل و محمد فرید و سعد زغلول علیه بریتانیا سمبل آن به‌شمار می‌رفت. دومین جریان جنبش اصلاح یعنی رفرم^۱ اسلامی و سلفیه، زیر نظر شیخ محمد عبده بود و این عکس‌العمل‌های ناسیونالیستی و اسلامی وابسته سال‌های بین دو جنگ در گرماگرم تقابل سه‌جانبه میان پادشاه، بریتانیا و سیاست‌مداران ناسیونالیست به رهبری حزب وفد، زمینه مناسبی برای رشد پیدا کردند؛ اما از دیدگاه مصری‌ها این جنبش‌های روشنفکرانه اجتماعی - سیاسی نتوانسته بودند مصر را از یوغ بریتانیا، نفوذ فرهنگی و اقتصادی منحط غرب و حکومت درباریان فاسد رها سازند. رهبر مذهبی مصر نیز قادر نبود یک فرمول انگارگانی برای شکل‌دادن به فرایند ساختار ملی و تحول اجتماعی - اقتصادی مصر ارائه دهد. بدین ترتیب واکنش حسن‌البنّا درقبال محیط بحران، طرفداری از بازگشت به بنیادهای اسلام

یعنی دعوت به بنیادگرایی و بازتاب مستقیم جنبش‌های تجدیدحیات طلبان قلی بود (دکمجیان، ۱۳۹۰: ۱۴۸ - ۱۴۹). «نهضتی که او بنیان گذاشت اصولاً زاینده مقتضیات سیاسی و اجتماعی مصر در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی اول بود که از آن جمله، رواج بی‌دینی میان روشنفکران و درس‌خواندگان و گسترش فکر علمانیت یعنی سکولاریسم^۱ پس از پیروزی کمال آتاتورک و برانگیخته‌شدن احساسات سیاسی مصریان در پی انقلاب سال ۱۹۱۹ ضد انگلیس و آرزوی همگانی ایشان به اصلاح اوضاع داخلی مصر را باید یادکرد. ولی اگر اخوان از یک سو برای حاکمیت تعالیم اساسی اسلام بر زندگی اجتماعی و سیاسی مصر می‌کوشیدند و می‌خواستند معتقدات اسلامی مصریان را از حالت ایستا و بی‌اثر خود بیرون آورند، هدف دیگر آنان، تحقق یگانگی عرب و برافکندن یوغ آن قدرت‌های اروپایی بود که به وطن اسلامی دست‌درازی کردند» (عنایت، ۱۳۷۰: ۲۴۰).

بدین ترتیب می‌توان گفت که راهبرد اخوان المسلمین در آشفتگی اوضاع عمومی مسلمانان به‌ویژه اوضاع مصر و ناتوانی حکمرانان کشورهای اسلامی و جهان عرب در ارائه راه‌حلی برای خروج از بحران و عقب‌ماندگی مسلمانان به‌وجود آمد و در پی معرفی اسلام به‌عنوان راهبرد کلیدی خروج از وضعیت بحرانی موجود بود. اصول جنبش اخوان المسلمین را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. اجتناب از جدال‌های مذهبی و فرقه‌ای؛ از زمانی که جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی تأسیس شد، حسن‌البنّا و آیت‌الله محمدتقی قمی در تأسیس آن سهیم بودند، همکاری میان اخوان المسلمین و شیعیان برقرار شد (الوردانی، ۱۳۸۲: ۱۵۲). حسن‌البنّا در مراسم حج ۱۹۴۸ با آیت‌الله کاشانی دیدار کرد و میان آنها تفاهم برقرار شد و برخی از دانشجویان شیعه که در مصر تحصیل می‌کردند به جنبش اخوان المسلمین پیوستند (شقایق، ۱۳۷۵: ۱۶۸).

۲. «سیاست گام‌به‌گام؛ جنبش باید مراحل تبلیغ، بیان و تفسیر، عمل و نتیجه‌گیری را گام‌به‌گام طی نماید (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۷۰).

۳. «استفاده از نیروهای مختلف برای تحقق اهداف».

۴. «برپایی حکومت اسلامی»: اخوان المسلمین حکومت را برای خود نمی خواهد، بلکه حامی کسانی است که بتوانند مسئولیت حکومت را برعهده بگیرند و قوانین قرآن را اجرا نمایند و اگر چنین فردی پیدا نشد، تشکیل حکومت یکی از برنامه‌های اخوان المسلمین خواهد بود.

۵. «مقاومت در برابر تجاوزگران» (هوسمی، ۱۳۸۳: ۶۸).

به عبارت دیگر، راهبرد جنبش اخوان را می توان به صورت ذیل خلاصه کرد:

- ایجاد تحول در اعتقادات اسلامی مسلمانان و بالأخص مصریان از حالتی ایستا و بی تحرک

به سمت پویایی و حاکمیت تعالیم شریعت بر زندگی اجتماعی سیاسی مردم مصر؛

- یگانگی مسلمانان در برابر استعمارگران غرب که کشورهای اسلامی را مورد تجاوز قرار

داده بودند؛

- اجرای کلیه برنامه‌ها و مناسبت‌های دینی و بعدها سیاسی جنبش براساس اسلام راستین؛

- تکیه بر آرمان فلسطین و دفاع از حقوق اعراب (خاتمیان، ۱۳۶۹: ۵۳-۵۲).

درواقع آرمان اخوان المسلمین، آرمانی دوگانه بود، زیرا از یک سو خواستار حاکمیت تعالیم

اسلامی بر مصر بود و از سوی دیگر به تحقق یگانگی عرب و برافکندن سلطه قدرت‌های اروپایی از

گردن مسلمین اعتقاد داشت. درواقع، علت اختلاف آنان با ناصر نیز از اینجا بود که زمانی که

مکتب ناسیونالیسم عرب به رهبری ناصر شکل گرفت، در تضاد با اسلام و اندیشه‌های

اخوان المسلمین قرار داشت، زیرا اخوان المسلمین قصد داشتند که بر پایه اصول اسلامی یگانگی

عرب را تحقق بخشند (امرای، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

براساس مبانی نظری سازه‌انگاری، جنبش اخوان المسلمین مصر توانست با بهره‌گیری از

تجارب سودمند گذشته، سازمان‌دهی اعضای و نفوذ معنوی - کارزماتیک در لایه‌های مختلف

اقتشار جامعه، تشکیلاتی و منسجم عمل کردن از یک سو و تأثیر عناصر ذهنی - عینی فوق‌الذکر

از سوی دیگر، افکار عمومی قسمت اعظمی از جامعه مصر را بسیج و به سمت هدف مطلوب، یعنی

خلاصی از رژیم مبارک و سپس، مراحل آتی خیزش، سوق دهد. هدف نهایی، راهبرد غیراعلامی

اخوان در شرایط فعلی آنچه بیداری مردمی - اسلامی نامیده می‌شود، همانا رسیدن به حکومتی است که در سایه آن بتوانند شریعت اسلامی را به مرحله اجرا درآورند. اعضای اخوان المسلمین در ۲ فوریه، نقش اصلی را در جنگ علیه مبارک در میدان التحریر ایفا کردند و اکثریت مردم آسیب‌دیده و مجروح را از میدان آشوب دور کردند. به‌ویژه در هفته سوم فعالیت جنبش انقلابی مصر، جوانان اخوان فعالیت زیادی کردند و آخرین تلاش رژیم مبارک در دهم فوریه برای برقراری حکومت نظامی و تخلیه میدان التحریر، با فداکاری و مقاومت جوانان اخوان المسلمین ناکام ماند (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

آینده‌پژوهی جنبش‌های اسلامی و ترکیه و عربستان

شروع شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی، با آغاز استعمارگری اروپا و رقابت قدرت‌های اروپایی در کسب مستعمرات هم‌زمان است و به‌نوعی می‌توان آن را پاسخی به استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اروپا دانست. استاد شهید مطهری در کتاب نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر در این خصوص می‌نویسد: از حدود نیمه دوم قرن سیزدهم اسلامی و نوزدهم مسیحی به بعد، یک جنبش اصلاحی در جهان اسلام آغاز شده است. این جنبش شامل ایران، مصر، سوریه، لبنان، شمال آفریقا، ترکیه، افغانستان و هندوستان می‌شود. در این کشورها کم‌وبیش مدعیان اصلاح پیداشده و اندیشه‌های اصلاحی و راهبردی عرضه کرده‌اند. این راهبرد جنبش‌ها به دنبال رکودی چند قرن شکل گرفت و تاندازه‌ای عکس‌العمل هجوم استعمار سیاسی در جهان اسلام به‌شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۳).

نهضت‌های اسلامی در مقابله با نظام استعماری و به‌عنوان راهبرد به‌وجود آمدند و این چنین در نظام جهانی آن دوره، به‌عنوان یک مانع بزرگ در تحقق برنامه‌ها و راهبرد استعمار در مناطق مسلمان‌نشین عمل کردند و از همان آغاز مهم‌ترین نقش خود را با حضور در نظام جهانی و جهاد مسلحانه بروز دادند (الموصلی، ۱۳۷۶: ۱۲).

از آثار راهبردی جنبش‌های اسلامی، تأثیرگذاری بر روابط خارجی و سیاست خارجی کشورهای منطقه با یکدیگر است. ظهور این پدیده در منطقه، موجب قطع روابط دولت‌ها یا

تقویت و توسعه روابط بین آنها شده است. به سخن دیگر جنبش‌های اسلامی روابط خارجی بین کشورهای منطقه را از نو تعریف کرده و دشمنان دیروز را به دوستان امروزی و دوستان دیروز را به دشمنان امروزی تبدیل کرده است. بنابراین جنبش‌های اسلامی در منطقه موجبات راهبرد و تغییراتی در روابط کشورهایی مانند ترکیه و عربستان در ارتباط با یکدیگر شده است، به طوری که برخی اوقات موجب نزدیکی و برخی اوقات موجب تضاد و درگیری بین این دو کشور شده است که در سه بخش ذیل، تغییرات ایجاد شده توسط جنبش اخوان در سیاست‌های کشورهای عربستان، ترکیه و ایران بیان می‌شود

الف. سیر روابط عربستان و اخوان المسلمین با ایران

امروز در لحظه تعارضی قوی میان اخوان المسلمین و عربستان سعودی و آنچه مراکز وهابی و سلفی ارائه می‌دهند، به سر می‌بریم و با وجود تلاش اخوان المسلمین برای برقراری بهترین روابط با عربستان سعودی، عربستان اقدام به جنگی بی‌رحمانه علیه آنها کرد و از آنها برای نبرد با گروه‌های دیگر به خصوص ایران و حزب‌الله و برخی نیروهای چپ‌گرا، دمکراتیک و ناصری در برخی مراحل استفاده کرد. اخوان المسلمین، بهای خوش‌بینی به عربستان سعودی و عدم درک ترس شدید آنان از دستیابی ایشان به حکومت و قدرت در بزرگ‌ترین کشور عربی را می‌پردازند که خطری بزرگ برای عربستان و شیوخ عربی حوزه خلیج فارس به شمار می‌آید.

در سطح منطقه‌ای، راهبرد اخوان المسلمین همواره یک جریان گفتمانی رقیب برای ایدئولوژی عربستان سعودی هم در جهان اسلام و هم در جهان عرب بوده است. به خصوص که این جریان رقیب در متحدان نزدیک عربستان همچون ترکیه، مصر و قطر نمود یافته است (کریمی، ۱۳۹۶).

از مباحثی که باعث اختلاف بین راهبرد اخوان و عربستان شده است، مبحث نوع رابطه اخوان با ایران است. اخوان المسلمین اولین گروهی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آن را تأیید و از پناه‌دادن شاه توسط رژیم مصر انتقاد کرد. این جماعت در سال ۱۳۵۷ اعلامیه‌ای منتشر کرد و انقلاب اسلامی را الگویی برای مبارزات اسلامی خود علیه دولت وابسته و ضداسلامی مصر

دانست و از تمام مسلمانان جهان نیز خواست تا از مسلمانان ایران سرمشق بگیرند. در سال‌های اخیر و در دوره رهبری محمدمهدی عاکف، اخوان المسلمین مواضع خوبی در قبال ایران و شیعه اتخاذ کرد که حساسیت کشورهای عربی را برانگیخت و حتی گاهی موجب اختلافات داخلی در اخوان المسلمین نیز شد. رهبری اخوان المسلمین از برنامه اتمی ایران، حتی با احتمال هدف ساختن بمب اتمی، حمایت کرد. عاکف در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی النهار گفته بود: «چه مانعی دارد که مذهب شیعه گسترش یابد. سازمان اجلاس کشورهای اسلامی ۵۶ عضو سنی مذهب دارد، حالا چرا باید از تنها کشور شیعه جهان ترسید» (خادمی، ۱۳۹۱: ۴).

عربستان سعودی در طول دو سال گذشته از ارتش مصر و برخی جریان‌های اسلامی رقیب اخوان المسلمین و برخی جریان‌های دیگر که رویکردی غیراسلامی داشتند، حمایت کرد. اگر دلایل دشمنی عربستان سعودی با حکومت اخوان المسلمین را واکاوی کنیم، به چند دلیل عمده برخورد می‌کنیم که در افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها میان این دو برخورد می‌کنیم که عبارتند از: نگرانی از ترویج و اشاعه طرح سیاسی اخوان المسلمین، بیم از قدرت اخوان المسلمین در سازمان‌دهی و بسیج توده‌های مردمی، بیم عربستان از درپیش گرفتن سیاست مستقل اخوان و نزدیکی به ایران، موضع‌گیری‌های خصمانه سعودی علیه اخوان المسلمین.

عربستان سعودی تنها با دستیابی اخوان المسلمین به حکومت و قدرت مخالف نیست، بلکه حکومت سعودی این جماعت را خطری برای خود می‌داند، چه حکومت و قدرت را در دست داشته باشد، چه نداشته باشد (الرشید، ۱۳۹۲: ۸ - ۱۱).

عربستان سعودی از این جهت که اخوان المسلمین را مهم‌ترین رقیب خود در جهان عرب می‌دانت، هیچ‌گاه خواهان به قدرت رسیدن راهبرد اخوانی‌ها در مصر نیست. در این تردید نیست که عربستان سعودی از به قدرت رسیدن جماعت اخوان المسلمین در مصر نگران است. فراخواندن سفیر عربستان سعودی در قاهره که به دنبال تنش به وجود آمده در پس بازداشت الجزاوی، وکیل مصری در فرودگاه جده روی داد، به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران بازتابی از این بیم و هراس‌ها بود. این درحالی است که سعودی‌ها هیچ‌گاه نتوانسته‌اند، در طول این مدت نگرانی خود از

برگزاری انتخابات و نتایج آن را پنهان کنند و نگران آینده روابط راهبردی ریاض و قاهره نباشند. این درحالی است که راهبرد اخوان المسلمین مصر با سعودی‌ها در عربستان از حیث دیدگاه‌ها و اعتقادات مذهبی اهل تسنن تفاوت و تعارض چندانی نداشته و در موارد بسیاری بین آنها اشتراک دیدگاه نیز مشاهده می‌شود، اما عربستان سعودی، این جریان را رقیب‌انگارگانی خود دانسته که از جایگاه مردمی مستحکم و فعالیت‌های بسیار گسترده هم‌اکنون در مصر و بعدها در صورت رسیدن به قدرت در منطقه ملاحظه می‌کند و این بی‌تردید ثبات و امنیت و محور ائتلاف و اتحاد هم‌پیمانان منطقه‌ای عربستان را تهدید کرده و بروز اختلاف‌ها و اعتراض‌هایی در داخل عربستان علیه رژیم سعودی را بی‌تردید به دنبال خواهد داشت (خادمی، ۱۳۹۱: ۶).

عربستان و هم‌پیمانانش در حاشیه خلیج فارس، میلیاردها دلار برای سرنگونی حکومت اخوان المسلمین هزینه کردند و به ارتش وعده داده بودند که اگر بتواند اخوان المسلمین و دولتشان به رهبری محمد مرسی را سرنگون کند، کمک‌های مالی بیشتری در اختیار آن قرار دهند. طرح سعودی البته با موفقیت همراه شد و مصر به مرکز ائتلاف سعودی اسرائیلی مصری با هدف بازگرداندن جهان عرب به عصر دیکتاتورهایی که پیش از انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ حکومت می‌کردند، تبدیل شد.

ب. سیر روابط ترکیه و اخوان المسلمین

عمده‌ترین جریانی که سیاست ترکیه در حال حاضر به آن در خاورمیانه تکیه دارد، اخوان المسلمین است؛ جریانی که قدرت را در مصر از دست داده، حضورش در سوریه کم‌رنگ شده، در تونس از قدرت کنار رفته، در لیبی در کشمکش سیاسی است و خلاصه اینکه آرمان نهایی‌اش برای تصرف جهان عرب و کشورهای اسلامی در معرض تهدید قرار گرفته است. پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه جان تازه‌ای به این جریان داده تا بتواند برای ستاندن قدرت در کشورهای منطقه خیز بردارد.

بی‌شک الگوی ترکیه که هیئت حاکم آن از چهره‌های نزدیک به اخوان المسلمین محسوب می‌شوند نیز پیش روی اخوانی‌ها قرار دارد. غرب به‌ویژه ایالات متحده تمایل بسیار دارد که ترکیه

بر این جریان اثر گذاشته و سیاست‌های اخوانی‌ها را کنترل کند. به‌ویژه اعضای حزب عدالت و توسعه ترکیه در حقیقت خود را شاخه‌ای از اخوان المسلمین می‌دانند. ترکیه نیز بی‌میل نیست که به اخوانی‌ها نزدیک شده و بر آنها اثر بگذارد.

اوج روابط اخوان و ترکیه در ایام ریاست‌جمهوری محمد مرسی در مصر و نخست‌وزیری رجب طیب اردوغان در ترکیه بود. رجب طیب اردوغان، ریاست‌جمهوری ترکیه، بارها حمایت خود را از این گروه اعلام کرد و تنها ساعتی پس از انتشار خبر مرگ مرسی، با تاختن بر دولت مصر، او را «شهید» نامید. او حتی زمانی که امریکا تلاش می‌کرد هویت این گروه را تروریستی اعلام کند، این اقدام را «اسلام‌ستیزی» دانست. به گزارش روزنامه عرب تایمز، رابطه میان حزب عدالت و توسعه و اخوان آنچنان قوی است که پیروزی این حزب در انتخابات پیشین ترکیه جانی دوباره در کالبد نیمه‌جان اخوان دمید (دهقی، ۱۳۹۸: ۱).

آنچه به‌صورت مشخص ترکیه و قطر را به یکدیگر نزدیک می‌سازد، حمایت این دو از جریان اخوان المسلمین است. دوحه و آنکارا با ابزارهای مختلف و البته شدت‌های متفاوت سعی می‌کنند تا از جریان راهبردی اخوان المسلمین حمایت کرده و از این جریان راهبردی در روابط منطقه‌ای بهره‌برند. با اینکه سازوکارهای حکومت‌داری در این دو کشور متفاوت بوده و یکی دموکراتیک و دیگری پادشاهی و با کمترین میزان مشارکت مردمی است، اما به‌دلیل حمایت از راهبرد اخوان و نیاز اساسی به یکدیگر، می‌کوشند تا با ابزارهای مختلف و در حوزه‌های متعدد، یکدیگر را تقویت کنند.

پس از سقوط دولت محمد مرسی به دست ارتش مصر در ژوئن ۲۰۱۳ و سرکوب سران اخوان المسلمین در این کشور، آنکارا و دوحه به پناهگاهی برای این گروه تبدیل شد. از سوی دیگر عربستان سعودی و امارات و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس حمایت گسترده خود را از مسئولان جدید مصر اعلام کردند. این کشورها اخوان المسلمین را تهدیدی برای حکومت‌های منطقه می‌دانند و در داخل کشورهای خود به بازداشت سران و پشتیبانی اخوان المسلمین روی آورده‌اند.

طیب اردوغان در همان روزهای نخست پس از پیروزی انقلاب مردم مصر، آن را به رسمیت شناخت و با حمایت از مهندس محمد مرسی عملاً خود را در کنار انقلابیون اخوانی مصر قرارداد و بدین ترتیب علاقه دیرینه و وابستگی اندیشه خود را به جمعیت اخوان المسلمین به نمایش گذاشت (جباری، ۱۳۹۷: ۳-۴).

ترکیه به حمایت از مرسی و محکومیت کودتای نظامی می‌پردازد، زیرا حزب عدالت و توسعه که در ترکیه قدرت را در دست دارد، دارای پیوندهای عمیقی با اخوان المسلمین است. پیوندهای حزب عدالت و توسعه با اخوان المسلمین، دولت ترکیه را به سوی برقراری و تحکیم روابط با اخوان سوق داد و البته این رابطه دوطرفه بود و هواداران اخوان در مصر نیز در انتخاب الگوی حکومت‌داری، بر الگوی ترکیه تأکید داشتند.

با پیروزی مرسی در مصر، ترکیه یک متحد اصلی و قدرتمند در منطقه به دست آورد که می‌توانست معادلات قدرت منطقه‌ای را که در آن، مصر، ترکیه، ایران و عربستان قرار دارند، به نفع محور آنکارا - قاهره سنگین کند. ترکیه با ایران و عربستان رابطه خوبی نداشت، اما در مقابل با مصر اخوانی روابط مناسبی برقرار کرده بود که به همین دلیل از برکناری مرسی ابراز نگرانی کرد. بنابراین، روابط و دوستی ترکیه و مصر به یک سال نینجامید و اردوغان متحد خود را در منطقه از دست داد.

ج. تأثیر راهبرد اخوان المسلمین بر روابط ترکیه و عربستان

راهبرد جنبش اخوان المسلمین نقطه اساسی اختلاف عربستان سعودی و ترکیه محسوب می‌شود. مشی اردوغان مبتنی بر اسلام سیاسی و حمایت از اخوان المسلمین و نیز گشودن درهای کشورش به روی آنان و رسانه‌هایشان است. این راهبرد ترکیه باعث نگرانی عربستان مصر و امارات گردیده است، زیرا سیاست این کشورها علیه راهبرد اخوان المسلمین و نفوذ آن در منطقه است. قابل یادآوری است که این کشورها اخوان المسلمین را خطرناک‌تر از داعش و القاعده می‌دانند.

در سال ۲۰۱۱ و با وقوع بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، ترکیه به دلیل

گرایش‌های اخوانی از حزب اخوان المسلمین مصر و رئیس‌جمهور موردتأیید اخوان، محمد مرسی حمایت می‌کرد، اما در سوی دیگر، رژیم سنتی عربستان سعودی مطرح‌شدن اخوان المسلمین و حکومت برآمده از دل آن توسط مردم را برنتابید؛ چراکه به‌دلیل قرابت اخوان المسلمین و ترکیه، به‌قدرت‌رسیدن جریان نزدیک به ترکیه در کشور مهمی مانند مصر زمینه را برای رهبری ترکیه در جهان اسلام فراهم کرده و به‌خودی‌خود عربستان را از این جایگاه دور می‌کرد. ازسوی دیگر، مشارکت مردم در ساختار قدرت مصر، سایر دولت‌های عربی و علی‌الخصوص عربستان سعودی را که به‌صورت سنتی و پادشاهی اداره می‌شدند، به‌چالش می‌کشید و این مسئله را در اذهان متبادر می‌ساخت که در ساختار قدرت کشورهای عربی حوزه خلیج فارس هم مردم باید مشارکت داشته باشند. بنابراین، عربستان از کودتای السیسی علیه محمد مرسی رئیس‌جمهور مصر حمایت کرد و این حمایت باعث ظهور تضاد منافع بین ترکیه و عربستان در شمال آفریقا شد. مورد دومی که باعث گسترش شکاف تضاد منافع بین ترکیه و عربستان شد، به‌وجودآمدن اختلاف بین قطر از یک‌سو و عربستان، امارات، مصر و بحرین به‌بهانه حمایت قطر از ایران و محور مقاومت و به‌زعم خودشان حمایت قطر از تروریسم ازسوی دیگر بود که به تحریم قطر از سوی این ۴ کشور در تاریخ ۵ ژوئن ۲۰۱۷ منجر شد (اندیشکده راهبردی تبیین a، ۱۳۹۷: ۴). به‌دلیل اینکه، ترکیه مهم‌ترین متحد قطر در منطقه غرب آسیاست، همین امر موجب شد تا آنکارا در حمایت از قطر رفتارهای آرام اما فعال از خود نشان دهد اما این مسئله، به‌معنای تنش آفرینی و واردشدن در تنشی جدی با عربستان نبود (اندیشکده راهبردی تبیین b، ۱۳۹۷: ۸).

مشکل عربستان سعودی با اخوان المسلمین زمانی بیش‌ازپیش شروع به نمایان کرد که اخوانی‌ها حکومت را در یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشورهای جهان عربی به‌دست گرفتند، به‌ویژه آنکه در این برهه به‌دلیل حمایت قطر از اخوانی‌ها، روابط میان عربستان سعودی و قطر به‌شدت رو به تیرگی و تنش نهاد تا در این صف‌آرایی امارات‌متحده عربی در کنار عربستان سعودی قرار گیرد و همراه ریاض تلاش کند تا به هر طریق ممکن زمینه ادامه حکمرانی اخوان المسلمین به‌خصوص در مصر را ازبین ببرد و از پیامدهای قدرت‌یافتن بیش‌ازپیش

اخوان المسلمین بر دو کشور مصر و تونس از یک سو و منطقه ازسوی دیگر ممانعت کند (الرشید، ۱۳۹۲: ۲).

نظام ترکیه یک الگوی اخوان المسلمینی معتدل را نمایندگی می کند که توانست دستاوردهای اقتصادی محقق کند و در قالب تعدد احزاب، یک فرایند سیاسی دموکراتیک را به ثمر برساند. این الگو، در عربستان بازتاب اجتماعی و سیاسی دارد. بسیاری از اسلام گرایان عربستانی، به خصوص پس از سال ۲۰۱۱، خواهان تطبیق الگوی ترکیه هستند. این افراد، از قدرت یابی اخوان المسلمین در مصر به عنوان الگویی از ترکیب اسلام و دموکراسی، استقبال کردند. بنابراین، علی رغم اظهارات آشتی جویانه و همکاری بین دو کشور، این الگوی ترکیه است که عربستان از آن واهمه دارد. به همین دلیل است که پس از بروز تنش بین عربستان و قطر، روابط عربستان و ترکیه نیز دچار تنش شد. این تنش ممکن است در سال های بعد به تقابل علنی تبدیل شود. ترکیه ترجیح داد با قطر همکاری کند، زیرا می داند که عربستان تجربه ترکیه را از بین خواهد برد تا تأثیر فکری آن در درون عربستان را متلاشی کند.

ترکیه از قطر در بحران اخیر علیه عربستان حمایت کرد و شاید یکی از دلایل این امر صرف نظر از روابط اقتصادی فیما بین، روابط مثبت و خوب دوحه با جماعت اخوان المسلمین و جنبش حماس باشد که ترکیه نیز با این گروه ها به لحاظ انگارگانی، روابط خوبی دارد که این نگاه در عربستان وجود ندارد یا لاقبل بیشتر براساس منافع مشترک متمرکز است نه براساس انگارگانی. عربستان در مصر از نظامیان علیه اخوان المسلمین حمایت کرد، ولی همین نگاه در یمن متفاوت است. این اختلاف در نگاه انگارگانی هرازگاهی از حالت عادی خارج شده و شدت و ضعف پیدا می کند و دو کشور را به هم نزدیک یا دور می کند، مثلاً وقتی جماعت اخوان المسلمین مصر ازسوی نظامیان تحت تعقیب قرار گرفتند و سرکوب و به زندان های سنگین محکوم شدند، دولت ترکیه با نزدیکی به عربستان و با استفاده از این رابطه تلاش کرد مانع از تحقق این امر شود و تا اندازه ای از فشارهای سیاسی علیه این جماعت کاست.

ترکیه به حمایت از مرسی و محکومیت کودتای نظامی می پردازد، زیرا حزب عدالت و

توسعه که در ترکیه قدرت را در دست دارد، دارای پیوندهای عمیقی با اخوان المسلمین است. پیوندهای حزب عدالت و توسعه با اخوان المسلمین، دولت ترکیه را به سوی برقراری و تحکیم روابط با اخوان سوق داد و البته این رابطه دوطرفه بود و هواداران اخوان در مصر نیز در انتخاب الگوی حکومت‌داری، بر الگوی ترکیه تأکید داشتند.

با پیروزی مرسی در مصر ترکیه یک متحد راهبردی در منطقه به دست آورد که می‌توانست معادلات قدرت منطقه‌ای را که در آن، مصر، ترکیه، ایران و عربستان قرار دارند، به نفع محور آنکارا - قاهره سنگین کند. ترکیه با ایران و عربستان رابطه خوبی نداشت، اما در مقابل با مصر اخوانی روابط مناسبی برقرار کرده بود که به همین دلیل از برکناری مرسی ابراز نگرانی کرد. بنابراین، روابط و دوستی ترکیه و مصر به یک سال نینجامید و اردوغان متحد خود را در منطقه از دست داد.

به گزارش خبرگزاری فارس، پایگاه خبری مرآة الجزیره در مقاله‌ای به قلم «ناصر شراره» به این نکته اشاره می‌کند که از زمان به قدرت رسیدن «محمد مرسی» و جماعت اخوان المسلمین در مصر عربستان سعودی همواره تلاش داشته تا پایه‌های حکومت آنها را متزلزل و تضعیف و در مقابل با حمایت از معارضان مرسی، جایگاه «سلفی‌ها» را میان غربی‌ها تقویت و تحکیم کند، اما این پایان اقدامات ریاض نبود، بلکه سعودی‌ها تلاش کردند، وجهه اخوانی‌ها را در قطر تخریب کنند که شاهد روی کار آمدن امیر جدید خود «شیخ تمیم بن حمد آل ثانی» بودند و بازتاب تمام این تلاش‌ها سرنگونی اخوانی‌ها و رویگردانی امیر جدید قطر از اخوان المسلمین بود تا در مقابل «شاهزاده بندر بن سلطان»، رئیس دستگاه اطلاعات و امنیت سعودی به شیخ تمیم تضمین دهد، در صورت موافقت دوحه با پایان دادن به قدرت و حکومت «اخوانی‌ها» در مصر، ریاض مانع از توسعه و گسترش بیش از پیش «سلفی‌گری وهابی» در منطقه خواهد شد. سعودی‌ها به «جان کری»، وزیر خارجه امریکا طی اولین دیدارش از منطقه اطلاع دادند که ریاض از به قدرت رسیدن اخوان المسلمین در مصر خرسند نیست، چون این امر موجب افزایش تلاش‌های شاخه‌های وابسته به این جماعت در کشورهای دیگر جهان عرب جهت رسیدن به قدرت خواهد شد؛ مبحثی که

تعارض و تناقضی آشکار با امنیت ملی عربستان سعودی دارد. ریاض همچنین در ادامه پیام خود به کری تأکید کرده بود که عربستان سعودی اقدام به حمایت از معارضان محمد مرسی در مصر و حتی ارسال کمک‌های مالی برای آنها خواهد کرد و تمام تلاش‌های خود را بر این امر متمرکز خواهد کرد که به جای اخوانی‌ها، سلفی‌ها جایگزین آنها در مصر شده و هدایت و رهبری جریان اسلام‌گرا چه در این کشور و چه در کشورهای دیگر عربی را به دست بگیرند. این در حالی است که سعودی‌ها به کری تأکید کردند، سلفی‌های مصر تحت تسلط و نفوذ آنها هستند و هیچ‌گاه گامی برخلاف خواست و اراده غرب به‌ویژه در مصر برنخواهد داشت و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین حامی نیروهای معارض سوری از جمله «ارتش آزاد سوریه» خواهند بود (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲).

ریاض به‌عنوان دشمن قسم‌خورده جنبش اخوان‌المسلمین که نقش اصلی در کودتای سفید ۲۰۱۳ برعهده داشت. تلاش می‌کند با همراهی دیگر کشورهای همسو مصر را به‌عنوان یکی از کشورهای قدرتمند عربی در حوزه نظامی باسیاست‌های منطقه‌ای خویش همراه سازد. گرچه ابتدای امر، مصر گام‌هایی را برای نزدیکی بیشتر به عربستان برداشت و درقبال دریافت پول و نفت ارزان‌قیمت به برخی مطالبات اعراب پاسخ مثبت داد، با این وجود، بروز اختلافات درمورد سوریه و نگرش‌های متفاوت دو کشور به آینده سیاسی آن و شخص بشاراسد مانع بزرگی بر اتحاد راهبردی محسوب می‌شود و حتی مصر به‌رغم تلاش‌های فزاینده عربستان برای وادار نمودن این کشور برای اعزام نیرو به یمن در جنگ با حوثی‌ها جانب احتیاط را درپیش گرفته است. (احمدزاده، ۱۳۹۶).

وجه عربستان به‌دلیل سیاست‌های غلط و ناپخته محمدبن سلمان ولیعهد به‌ویژه در قتل جمال خاشقجی در جامعه بین‌المللی به‌شدت مخدوش شده و ازسویی اختلافات شدید در داخل این احتمال را تقویت می‌کند که این کشور پس از مرگ سلمان وارد جنگ قدرت میان شاهزادگان مدعی پادشاهی شود و عربستان را به‌شدت تضعیف نماید. به‌نظر می‌رسد این شرایط فرصتی برای ترکیه است تا با میانداری تحولاتی که عربستان در آن مرتکب خطا شده است، مانند قتل

خاشقچی و جنایت در یمن، موقعیت خود را برای رهبری جهان اهل تسنن ارتقا دهد. به‌ویژه اینکه ترکیه از اسلام معتدل از نوع اخوان المسلمین دفاع می‌کند و حال آنکه عربستان مروج قرائت افراطی از اسلام یا همان وهابیت است که اکنون با تروریسم مترادف شده و در حال به‌حاشیه‌رفتن است (محمد مراد، ۱۳۹۷: ۲).

ترکیه با وجود بحران اقتصادی حاضر و افت ارزش پول ملی، نمی‌تواند وارد مناقشه‌ای جدی با عربستان گردد؛ چراکه وجود هر نوع کشمکش میانی این دو کشور، علاوه بر اینکه موجب کاهش حجم مبادلات اقتصادی بین آنها شده و صادرات ترکیه به عربستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سرمایه‌گذاری عربستان در ترکیه را هم تحت الشعاع قرار داده و طبیعتاً ترکیه حداقل در شرایط حاضر تمایلی ندارد چنین اتفاقی بیفتد و تساهل ترکیه در مورد کارکنان کنسولگری عربستان می‌تواند شاهدهی بر این ادعا باشد.

ترکیه و عربستان هر دو خواستار رهبری جهان اسلام هستند، ترکیه خود را وارث بلامنازع امپراتوری عثمانی می‌داند و می‌خواهد نوع حکومت نوین خود را به‌عنوان الگو و پیشرو در جهان اسلام معرفی کند و این مسئله باعث بروز تیرگی بین ترکیه و عربستان می‌گردد؛ چراکه عربستان نیز ادعای رهبری جهان اسلام را دارد و دلیل آن بر این امر ظهور اسلام از شبه‌جزیره عربستان و همچنین قرارداد شدن حرمین شریفین در سرزمین عربستان است. قتل جمال خاشقچی فرصتی تکرار نشدنی را برای ترکیه فراهم می‌کند که از این طریق بتواند اجماع جهانی را علیه عربستان و به‌منظور تضعیف آن به‌وجود بیاورد و به تسویه‌حساب سیاسی به‌خاطر حمایت عربستان از کردهای شمال سوریه، حمایت عربستان از کودتا علیه محمد مرسی و تحریم قطر توسط عربستان سعودی بپردازد و هم به‌بهبود وجهه خود نزد افکار عمومی جهانی در راستای حمایت از آزادی بیان و حقوق روزنامه‌نگاران کمک کند و انتشار اخبار قتل خاشقچی به‌صورت قطره‌چکانی و در طول زمان می‌تواند شاهدهی بر این ادعا باشد (پالیز، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۴).

نتیجه گیری

راهبرد و دلیل اصلی شکل گیری جنبش های اسلامی، نظام بین الملل و تقابل آنها با استعمار غرب بوده است. مراحل مختلف تأثیر گذار بر جنبش های اسلامی عبارتند از: برخوردهای فیزیکی و نظامی سخت در برابر حضور نظامی استعمار به عنوان اولین مرحله در حیات جنبش ها بود. در مرحله بعد تحولاتی در راستای سازماندهی و تشکیلاتی شدن نهضت ها و همچنین تحولات فکری و فرهنگی صورت گرفت. آخرین مرحله نهضت های اسلامی، با راهبرد انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت که به دنبال کسب قدرت، مشارکت همه جانبه سیاسی با راهبرد تشکیل حکومت اسلامی و تحقق احکام اسلامی وارد عرصه فعالیت شدند.

جنبش اخوان المسلمین، بزرگ ترین جنبش اسلام گرا در جهان عرب است. این جنبش در شرایطی تأسیس شد که از یک سو مقامات الازهر هر گونه نوسازی جامعه و دگرگونی دینی را رد می کردند و از سوی دیگر، نوگرایان به دنبال جدایی دین و سیاست از یکدیگر بودند. این جنبش از بدو تأسیس در سال ۱۹۲۸ تاکنون، از مهم ترین و فعال ترین نیروهای اجتماعی و سیاسی مصر و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه بوده است.

سازمانگاران بر این باورند که در تبیین سیاست خارجی کشورها برخلاف رئالیست ها توجه صرف به ساختارهای مادی مانند جغرافیا، جمعیت، منابع طبیعی، قدرت نظامی و صنعتی کافی نمی باشد، بلکه برای تبیین مناسب سیاست خارجی کشورها در کنار ساختارهای مادی باید به ساختارهای معنایی نیز توجه نمود. اینکه هر جامعه ای هویت ملی خویش و ارزش ها و علائق فرهنگی و فکری خود را چگونه تعریف می نماید، در تعیین روند حرکتی سیاست خارجی آن کشور تأثیر گذار خواهد بود. به عبارت دیگر سازمانگاری بر ابعاد مادی و غیرمادی حیات اجتماعی تأکید داشته و تلاش دارد برای تبیین پدیده های اجتماعی، برچگونگی شکل دادن جهان مادی به کنش انسانی و شکل گرفتن جهان مادی توسط کنش و تعامل انسانی، اقدام نماید. در واقع، همه کنش های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می گیرد و معنا پیدا می کند و این معناسازی است که به واقعیات جهانی شکل می دهد. بنابراین، در این پژوهش بهترین الگو برای تحلیل روابط ایران،

ترکیه و عربستان، رویکرد سازه‌انگاری است، زیرا به هویت که تعیین‌کننده منافع سیاست خارجی دولت‌ها و روابط بین هویت و سیاست خارجی است، توجه دارد.

ترکیه و عربستان، دو کشوری هستند که از بقایای فروپاشی امپراتوری عثمانی در بازه زمانی ۱۹۱۸ - ۱۹۲۰ به وجود آمده‌اند. ترکیه یک هویت چندبعدی مشتمل بر بعد اروپایی، یک بعد ترکی و یک بعد اسلامی، دارد. از بعد اسلامی، از سال ۲۰۰۲ با سرکار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه و به دلیل گرایش‌های راهبردی اخوانی این حزب، این کشور از اسلام نوع اخوان‌المسلمین حمایت می‌کند. این حمایت کاملاً در تضاد با هویت مذهبی و عربی عربستان قرار دارد. سعودی‌ها با تبلیغ وهابیت و رهبری جهان عرب، اساساً از نظر جهان‌بینی نسبت به اجتماع، سیاست و مذهب دارای اختلافاتی از نظر انگارگانی با کشور ترکیه می‌باشند. این اختلافات، زمینه‌ساز رقابت‌های بیشتر در سایر حوزه‌ها بین دو کشور نیز شده است. روابط بین ریاض و آنکارا از زمان وقوع بیداری اسلامی - به گفته عرب‌ها «بهار عربی» - و به دلیل حمایت ترکیه از جنبش اخوان‌المسلمین تیره و تاره شد. گرچه پس از مرگ ملک‌عبدالله تغییراتی در روابط دو کشور حاصل شد، به طوری که ملک‌سلیمان پادشاه فعلی عربستان که در زمان ولیعهدی‌اش مسئول پرونده ترکیه و عربستان بود، در راستای بهبود دو کشور گام برداشت، ولی این بهبود روابط برای همیشه دوام نیافت و منافع مشترک زودگذر نتوانست آنها را برای همیشه کنار هم قرار دهد.

محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، راهبرد جنبش اخوان‌المسلمین را یکی از سه ضلع محور شرق قلمداد کرده بود. این مبحث، ترکیه را در سکوتی غضبناک فرو برد؛ چراکه ترکیه نمی‌خواست نام حزب عدالت و توسعه را به عنوان مرجعیت اساسی سازمان اخوان‌المسلمین در دنیا نشان دهد. ترکیه و حزب حاکم این کشور یعنی حزب عدالت و توسعه به طور رسمی و در ادبیات حزبی و آشکار خود نامی از جنبش اخوان‌المسلمین نمی‌برد و با دیدگاه‌های سیاسی اقتصادی و اجتماعی لیبرال خود همواره نشان داده که با قرائت دینی و سیاسی اخوان‌المسلمین فاصله و تفاوت‌های تعریف‌شده‌ای دارد؛ اما در دو دهه اخیر ترکیه و قطر دو پایگاه و کانون مهم برای اجتماع، روابط و تصمیم‌گیری‌های راهبردی اخوان‌المسلمین در منطقه و جهان بوده است. خود

مرسی نیز در دوران اقتدار روابط نزدیکی با اردوغان داشت. راشد الغنوشی و دیگر سران تونسی سودانی و فلسطینی متمایل به اخوان همواره در ترکیه در حال رفت و آمد بوده‌اند و در ماجرای سوریه نیز ترکیه به دنبال آن بود تا به موازات حمایت از اعراب لیبرال و کردهای نزدیک به بارزانی از اعراب اخوانی هم به شکل جدی حمایت کرده و آنها را به قدرت برساند؛ اما کودتای مصر و زندانی شدن محمد مرسی به رؤیاهای ترکیه ضربه‌ای کاری وارد کرد و در حال حاضر در سودان و لیبی نیز تحولات به نفع اخوانی‌های نزدیک به ترکیه پیش نمی‌رود.

ماجرای قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار عربستانی و مرگ مشکوک محمد مرسی رئیس‌جمهور پیشین مصر و به دنبال آن مواضع رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه که در آن رژیم سعودی و شخص بن‌سلمان ولیعهد تازه کار عربستان را مقصر اصلی نامیده بود، روابط نیم‌بند آنکارا و ریاض را که در خلال جنگ داخلی در سوریه به سردی گرائیده بود، سردتر و از آن بالاتر به دوران انجماد نزدیک کرده است.

با آغاز تحولات سوریه، در بهار سال ۱۳۹۰ نمایندگان اخوان به‌ویژه اخوانی‌های مصر، لیبی و تونس به آنکارا سفر کردند و پس از برگزاری جلسات متعدد تصمیم گرفتند تا کنگره بزرگ جمعیت اخوان المسلمین «را پس از کناررفتن حکومت» بشاراسد «در سوریه که پیش‌بینی می‌کردند خیلی زود اتفاق بیفتد، برپا کنند. آنها بر این اعتقاد بودند که با کناررفتن اسد عملاً بزرگ‌ترین مانع بر سر راه اتصال اخوانی‌ها از شمال آفریقا تا خاورمیانه برداشته خواهد شد و با قدرت‌یابی اخوانی‌های سوریه عملاً» امپراتوری «نوعثمانی» با تفکرات و اندیشه راهبردی اخوانی تشکیل خواهد شد. به عبارت دیگر، شمال آفریقا تا سرزمین‌های شام همگی به کنترل اخوانی‌ها در خواهد آمد و ترکیه نیز رهبری این جریان یکپارچه در سرزمین‌های اسلامی را برعهده خواهد گرفت، اما غافل از اینکه اخوانی‌های سوریه خیلی زود اندیشه خود را به پول و هابیت واگذار کرده و با درپیش گرفتن رفتارهای تکفیری عملاً از حلقه اخوان المسلمین در بخش مرکزی سرزمین شام خارج شدند و اینک به نظر می‌رسد که راهبرد جنبش اخوانی‌ها با قبول شکست در مصر، سوریه، تونس و بسیاری از کشورهای دیگر و نیز فاصله گرفتن از مرام بنیان‌گذار و مبلغان

آن، به پایان خود نزدیک شده است؛ چراکه، از این جنبش چیزی بیشتر از سردرگمی پیروان دوآتیشه و آن‌هم فقط در حد یک جریان سلفی معترض باقی نمانده و از همین‌رو برای آینده سیاسی طیب اردوغان، دست کم به‌عنوان یکی از طرفداران پروپاقرص این اندیشه، باید نگران‌تر از گذشته بود.

ترکیه و قطر، حامیان دیرینه اخوان‌المسلمین برای امریکا مهم هستند. اگرچه قطر از سوی عربستان، امارات متحده عربی و مصر، تحریم و منزوی شده، اما بزرگ‌ترین پایگاه نظامی امریکا در منطقه در این کشور قرار دارد. ترامپ نه تنها در پی فروش سلاح‌های خود به ترکیه است، بلکه همچنین نیازمند کمک و همکاری ترکیه در شمال سوریه برای حفظ امنیت نیز است. قرارداد اخوان‌المسلمین در فهرست سازمان‌های تروریستی، جهت‌گیری آشکار امریکا علیه ترکیه و قطر و به نفع عربستان، امارات متحده عربی و مصر در مناقشه هژمونیک حاکم بر منطقه تلقی می‌گردد؛ زیرا علاوه بر دشمنی با ایران، این کشورها مقابله با اخوان‌المسلمین را چالش تعیین‌کننده سرنوشت زمان خود می‌دانند. این مبحث یک بخش انگارگانی و سیاسی، به‌ویژه سیاست امنیتی نیز در بردارد: از دیدگاه عربستان، اخوان‌المسلمین به‌تنهایی عامل و مسئول افراطی شدن اسلام در قرن بیستم میلادی است. هدف دیگر این کشورها نیز سرکوب کردن تمایلات سیاسی «نوع‌عثمانی» در خاورمیانه و فرای آن است.

راهبرد جنبش اخوان‌المسلمین به‌دلیل تضاد با وهابیت عربستان و حمایت از عثمانی‌گری ترکیه نقشی مهم در روابط پر از تنش میان عربستان و ترکیه را داشته است. ترکیه از اسلام معتدل از نوع اخوان‌المسلمین دفاع می‌کند و حال آنکه عربستان مروج قرائت افراطی از اسلام یا همان وهابیت است که در حال به‌حاشیه‌رفتن است.

منابع

احمدزاده، داود (۱۳۹۶)، امریکا و سیاست خارجی مصر در بزنگاه سخت تاریخی، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه.

البنّا، حسن (۱۳۶۶)، خاطرات زندگی حسن البنّا، ترجمه ایرج کرمانی، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- الرشید، مضوی (۱۳۹۲)، عربستان سعودی و اخوان المسلمین، رابطه‌ای سراسر نزاع و درگیری، خبرگزاری فارس.
- الموصلی، احمد (۱۳۷۶)، اصول‌گرایی اسلامی و نظام بین‌الملل، ترجمه مهرداد آزاد، روزنامه کیهان، ش ۱۵۹۰۵، ۲۵/۱/۱۳۷۶.
- الوردانی، صالح (۱۳۸۲)، شیعه در مصر از آغاز تا عصر امام خمینی (ره)، ترجمه عبدالحسین بینش، بی‌جا: مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی.
- امرای، حمزه (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اندیشکده راهبردی تبیین a (۱۳۹۷)، ترکیه در سال ۹۶، روندها و رویدادها، ۸ فروردین ۱۳۹۷، قابل‌بازیابی در <http://tabyincenter.ir/25066/>
- اندیشکده راهبردی تبیین b (۱۳۹۷)، عربستان در سال ۹۶، روندها و رویدادها، ۱۸ فروردین ۱۳۹۷، قابل‌بازیابی در <http://tabyincenter.ir/25192/>
- پالیز، علی (۱۳۹۷)، نگاه ترکیه به عربستان و پرونده خاشقچی، چارچوب‌ها و مسائل، اندیشکده راهبردی تبیین.
- پایگاه خبری مفتاح (۱۳۹۹)، بررسی مراحل مختلف رابطه میان ترکیه و اخوان المسلمین، قابل دسترسی در: <http://meftahnews.ir/?p=126391>
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۰)، بررسی مقایسه‌ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر. فصلنامه مطالعات راهبردی، س چهاردهم، ش ۲.
- توانا، محمدعلی و میرحسینی، محمد (۱۳۹۳)، بررسی افراط‌گرایی و اعتدال‌گرایی در جنبش اخوان المسلمین مصر، فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۳، ش ۱.
- جباری، علی‌رضا (۱۳۹۷)، جریان اخوانی در ترکیه، تثبیت یا افول، خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر ۸۳۰۱۲۲۸۴.
- حسینی، مختار (۱۳۸۱)، برآورد استراتژیک مصر، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- خاتمیان، طاهره (۱۳۶۹)، سیر تحولات سیاسی - اجتماعی اخوان المسلمین، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران.
- خادمی، محمد (۱۳۹۱)، بررسی چرایی اقدامات عربستان علیه اخوان المسلمین در انتخابات ریاست جمهوری مصر، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۸)، حسن البنا: مصلح اجتماعی و منادی اعتلای اسلام، قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83669093/>

- خبرگزاری جمهوری اسلامی، (۱۴۰۰). جریان اخوانی در ترکیه، تثبیت یا افول، قابل دسترسی در: www.irna.ir/news/83012284
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۲)، جریان‌شناسی مخالفان آل سعود در بیداری اسلامی، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=۱۳۹۱۱۰۲۶۰۰۹۷۶>
- دکمجیان، هرایر (۱۳۹۰)، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- دهقی، فرحناز (۱۳۹۸)، اخوت اخوان با اردوغان، ایران آنلاین.
- بورنهام، پیتر (۱۳۸۹)، روش‌های پژوهش در سیاست، ترجمه سیدمحمد کمال سروریان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شقاقی، فتحی (۱۳۷۵)، جهاد اسلامی، ترجمه سیدهدای خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- عنایت، حمید (۱۳۷۰)، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کرمی، کامران (۱۳۹۶)، عربستان و اخوان المسلمین؛ از همکاری تا تقابل، پایگاه تحلیلی - خبری الوقت.
- مجله الکترونیکی شعوبا (۱۳۹۸)، سیر شکل‌گیری جنبش اخوان المسلمین از تشکیل تا ترور حسن‌البناء، قابل دسترسی در سیر شکل‌گیری جنبش اخوان المسلمین، از تشک/ www.shouba.ir.
- محمدمراد، رضا (۱۳۹۷)، بحران در روابط ترکیه با عربستان شدیدتر می‌شود، خبرگزاری صداوسیما.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، تهران، انتشارات صدرا.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۹۲)، تحلیل توصیفی و استنادی مقالات پژوهشنامه علوم سیاسی، مجله پژوهشنامه علوم سیاسی، س نهم، ش ۱.
- هوسمی، علی‌رضا (۱۳۸۳)، شکل‌گیری و راهبرد و استراتژی اخوان المسلمین، فصلنامه دانش پژوهان، ش ۵.
- یوسفی، امیرمحمد و یوسفی، حاجی (۱۳۹۰)، مسئله و روش پژوهش در پایان‌نامه‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی